

در دوران نوجوانی همیشه ساعتی را به بازی و تخیل فیلم‌هایی که دیده بودم می‌گذراندم. هنگامی که در نقشی فرو می‌رفتم بیرون آمدنم از آن شخصیت با خدا بود. سعی می‌کردم شخصیت جدیدی که در آن فیلم نبود خلق کنم، کسی که روند داستان را تغییر می‌دهد، کسی که قهرمان است و گره‌ی داستان توسط او باز می‌شود. شاید بعضی از تخیلات ما هیچ‌وقت به واقعیت تبدیل نشوند، اما انسان امروز ثابت کرده است که می‌تواند به بسیاری از رویاهایش دست پیدا کند. نمی‌دانم چند نفر از شما که این مطلب را می‌خوانید عشق بازیگری دارید، اما اگر رویای بازیگر شدن در سر می‌پرورانید به خواندن ادامه دهید. تماشاخانه‌ی استاد مشایخی این روزها میزبان چند نوجوانی است که حدود یک سال روی یکی از دشوارترین و مطرح‌ترین نمایشنامه‌های جهان وقت گذاشته‌اند و پس از تمرینات بسیار موفق به اجرای آن شده‌اند. نمایشنامه‌ی «در انتظار گودو» به نویسندگی ساموئل بکت توسط سامی صالحی ثابت پس از بازی نویسی به نمایش «دو نوجوان در انتظار گودو» تغییر پیدا کرد و توسط نوجوانان ۱۳ تا ۱۶ ساله به نمایش گذاشته شده است.



مصاحبه با بازیگران
نوجوان نمایش
«دو نوجوان در انتظار گودو»
**برای بازیگری
باید مقاوم باشید
وسختی‌ها را
تحمل کنید**

مبینا جعفری: بازیگری ظاهری فریبنده دارد در حالی که چیز خیلی بزرگی نیست. کسانی که وارد این حرفه می‌شوند باید آگاه باشند که علاقه‌ی تنها کافی نیست، باید اعصاب هم داشته باشند. باید مقاوم باشند و سختی‌ها را تحمل کنند. اگر واقعا علاقه دارند و حاضرند در کنار خوبی‌ها، بدی‌های این حرفه را تحمل کنند، وارد بشوند و حتما دوره‌ی بازیگری ببینند. اما اگر فقط یک علاقه‌ی زودگذر است، پیشنهاد می‌کنم هرگز وارد بازیگری نشوند. به خصوص بازیگری تئاتر. تئاتر با سینما خیلی فرق می‌کند، کم‌تر کسی است که می‌تواند تئاتر کار کند. **سویل مهر اندیش:** کسانی که فکر می‌کنند بازیگری خیلی آسان است و اگر پارتی داشته باشند می‌توانند وارد آن بشوند، در اشتباه‌اند. برای بازیگر شدن باید همه‌ی انرژی خود را بگذارید.

آقای صالحی چرا تصمیم گرفتید از نوجوانان در چنین نمایش دشواری استفاده کنید؟

در دنیای امروز کودک و نوجوان نیاز دارند که شنیده شوند، دیده شوند، اظهار نظر بکنند و پرسش‌های خود را در مقابل بزرگسالان مطرح بکنند. تا الان همیشه صحبت از این موضوع بوده که هنگامی که نوجوان به مرحله‌ی بزرگسالی رسید، به کار گرفته شود، در حالی که آینده‌ی نوجوان الان ساخته می‌شود.

دانشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که بچه‌ها خیلی زود می‌توانند به مسائلی چون فیزیک، شیمی، ریاضی و البته فلسفه دست پیدا کنند. تمام شاهکارهای ادبیات جهان دارای تجارب تکان‌دهنده و سنگین زندگی و موقعیت‌های بحرانی است. ما سعی کردیم بحران موجود در نمایشنامه‌ی «در انتظار گودو» را به بحران نوجوانان امروز نزدیک کنیم. باید مسائل را با بچه‌ها مطرح کرد، آن‌ها را در موقعیت و شرایط خاص قرار داد، اجازه داد پرسش کنند، کنکاش کنند و یاد بگیرند چه‌طور به راه حل برسند.

گلستانی بود.

علیرضا خدا بخش، ۱۵ ساله، نقش دی دی پسر: ۲سال پیش وارد آموزشگاه اندیشه شدم و پس از گذراندن دوره‌های مقدماتی توسط آقای صالحی برای بازی در این پروژه انتخاب شدم. محمدرضا نائبی تجربی، ۱۳ ساله، در نقش پسر: فعالیتیم را با بازی در دو فیلم سینمایی در کنار افرادی چون امیرحسین رستمی و نینوش ضیغمی آغاز کردم.

مبینا جعفری، ۱۶ ساله، در نقش پوتزو: من در آموزشگاه اندیشه بازیگری را آغاز کردم و پس از گذراندن دوره‌های بازیگری نزد آقای علیرضا خمسه، آقای مهباری و خانم پرستو گلستانی و پس از بازی در نمایش «زندگی من» توسط آقای صالحی برای بازی در این نمایش انتخاب شدم.

به نوجوانانی که علاقه‌ی زیادی به بازیگری دارند، چه پیشنهادی می‌دهید؟ چی کار باید بکنند تا تبدیل به یک بازیگر موفق شوند؟

علیرضا خدا بخش: نمایشنامه و رمان بخوانند. چون در نمایشنامه و رمان چیزهایی هست که در زندگی عادی به‌طور آشکار نیست. سپس سعی کنند آن نمایشنامه را بازی کنند. باید روی بدن، بیان و حس خود تمرین کنند و در نهایت برای بزرگ‌ترها اجرا بروند تا آنها را ببینند و ایرادات را رفع کنند.

محمدرضا نائبی تجربی: این حرفه بسیار سخت است. باید در آن صبور باشید، با اعضای گروه مهربان باشید، تئاتر یک کار گروهی است، نمی‌شود بگویند من بازی خوبی دارم و تنهایی می‌توانم این نمایش را اجرا کنم. اگر گروه نباشد کار به جایی نمی‌رسد. تلاش کنید، تا تلاش نکنید به جایی نمی‌رسید.

لطفا خلاصه‌ای از داستان را بگویید.

رادمان منفرد، ۱۴ ساله، نقش گوگوی پسر: چند نوجوان در یک جامعه‌ی مدرن و شهری شلوغ بر اثر مشکلاتی که برای‌شان به‌وجود آمده، در مکانی جمع شده‌اند. آن‌ها شنیده‌اند فردی به‌نام گودو می‌تواند آن‌ها را از فلاکتی که اسیر آن شده‌اند نجات دهد، پس به انتظار گودو می‌نشینند، اما در پایان هیچ‌کس نمی‌آید.

چه مدتی تمرین کردید و در طی تمرینات، چه دشواری‌هایی را پشت سر گذاشتید؟

رادمان منفرد: حدود یک سال تمرین کردیم و خیلی در این مدت سختی کشیدیم، حتی در اواسط کار نزدیک بود پروژه لغو بشود و سراغ پروژه‌ی نمایش «کرگدن»، نوشته‌ی اوژن یونسکو برویم، ولی با اصرار بچه‌های گروه، آقای صالحی (کارگردان نمایش) را راضی کردیم تا ادامه دهیم.

در این نمایش نقش چه شخصیتی را بازی می‌کنید؟

نینوشا خواجه حسینی، ۱۳ ساله، نقش دی دی دختر: نقش دختری که عاشق نوازندگی است اما به دلیل مشکلاتی که دارد نمی‌تواند به آرزویش برسد. او متوجه می‌شود که فردی به نام گودو می‌تواند او را به خواسته‌اش برساند، پس به مکان ورود او می‌رود اما اثری از گودو پیدا نمی‌کند.

بهنام حقانی، ۱۵ ساله، در نقش لاکي: لاکي برده‌ی پوتزو است، به‌طوری‌که تمام وسایل او را با خود حمل می‌کند. برای رسیدن به نقش در خانه بسیار تمرین کردم و متوجه شدم چون همیشه بار حمل می‌کند، پس باید خمیده و آهسته راه بروم.

بازیگری را در چه سالی و از کجا شروع کردید؟

سویل مهراندیش، ۱۴ ساله، نقش گوگوی دختر: حدود سه سال پیش بازیگری را از آموزشگاه بازیگری آغاز کردم. اولین نمایشی که در آن به ایفای نقش پرداختم، دو سال پیش در نمایشی به کارگردانی خانم پرستو

دیروز امروز فردا

فائزه دائمی

«کلاه قرمزی» و «شهر موش‌ها»ی دهه‌ی شصت بگیر تا همین همبازی‌ای که سال ۹۰ روانه‌ی پرده‌ی نقره‌ای شد، مروری بر سینمای چندین ساله‌ی کودک و نوجوان. خب شما که غریبه نیستید، قرار است همه‌چیز عوض شود، بوی ماه مهر که از راه برسد و بیست و هشتمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان شروع شود، نقطه‌ی آغاز ماراتنی را شاهد خواهیم بود که سینمای کودک و نوجوان‌مان را به جاهای خوبی می‌رساند، بالاخره هرچه نباشد جناب آقای محمدرضا جعفری مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی در صحبت‌های‌شان گفته‌اند، اولویت اول‌شان سینمای کودک و نوجوان است و به امید خدا قرار است که از جشنواره‌های‌مان از حالت تزئینی خارج شود.



عبارات تابستان و روزهای طولانی و گرما را که بگذاری کنار هم و کمی نگاه‌شان کنی، بعد از چند ثانیه عبارات اوقات فراغت و بی‌کاری و مگس‌پرانی توی سرت چرخ می‌خورند. بعدش هم لابد کلاس زبان و ورزش و نوشیدنی‌های خنک صلاطه‌ی ظهر و چشم‌های پف‌کرده‌ی دست‌به‌کار شده، برای خلاصه این‌که بنیاد سینمایی فارابی دست‌به‌کار شده، برای پر کردن اوقات مگس‌پراکنی و پانزده تا فیلم به‌یاد ماندنی سینمای کودک و نوجوان را در سانس‌های ۱۱ صبح، روانه‌ی سینماها کرده، آن هم برای اکران مجدد فوق‌العاده. فقط هم مختص بچه‌های امروز نیست‌ها، از من می‌شنوید دست پدر و مادرهای‌تان را بگیرید و ببریدشان برای خاطره‌بازی. قرار است به جای مگس‌پراکنی، مرور کنیم، از «گلنار» و